

یادداشت :

**تحلیل حقوقی حمله به زیرساخت های دارویی ایران
(شرکت تحقیقاتی مهندسی توفیق دارو)
و ابعاد راهبردی و نقض قواعد حقوق بین الملل توسط آمریکا و
اسرائیل**

نویسنده:

محمود رشنواز

**دانشجوی دکتری حقوق بین الملل ، واحد امارات، دانشگاه آزاد
اسلامی ، دبی، امارات**

(عضو مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضاییه)

۱۴۰۵/۰۱/۱۱

تجاوزات غیرقانونی و وحشیانه آمریکایی - صهیونی به تمامیت سرزمینی جمهوری اسلامی ایران در جنگ رمضان، بی‌گمان یکی از بزرگترین مصادیق نقض قواعد و حقوق بین‌الملل موضوعه و عرفی در تاریخ معاصر به شمار می‌آید. متجاوزین، چنان که پیداست، عزم خود را جزم کرده‌اند تا تمامی موجودیت و محتوای نظام حقوق بین‌الملل را در بوته آزمونی سخت نهاده و عملاً به جهانیان اعلام دارند که هر قاعده‌ی حقوقی بین‌المللی خواه آنکه در کاخ‌های سازمان ملل تصویب شده باشد یا در بستر عرف بین‌المللی بالیده باشد در برابر زیاده‌خواهی‌شان هیچ اعتباری ندارد. اینان با صریح‌ترین و بدیهی‌ترین قواعد بین‌المللی چنین رفتار می‌کنند که گویی جز طنزی بی‌مایه نیستند. نخستین روز از تجاوزشان، با کشتار فجیع مدرسه میناب، به روشنی ثابت کردند که هیچ سازوکار حقوقی توان بازداشتنشان را ندارد. آنان به دنبال منابع انرژی‌اند، در پی از میان برداشتن حاکمیت‌های مستقل و گسترش بی‌حد و حصر نفوذ خویش؛ و در این مسیر، هر وسیله‌ای مباح است: از شعارهای فریبنده‌ی حقوق بشری و ادعای یاری‌رسانی به مردم ایران، تا کشتار کودکان و غیرنظامیان و اینک، تجاوز به مراکز درمانی و کارخانه‌های تولید دارو. آنچه اهمیت دارد، رسیدن به هدف است؛ چنانکه رئیس‌جمهور ایالات متحده پس از یک ماه از آغاز این تجاوز، بی‌پرده اعلام کرد که هدف، دستیابی به نفت است و هرکه این ارزش را درک نمی‌کند، احمق است. آنان چنان برای منابع انرژی ارجح می‌نهند که تمامی خشونت‌ها و نقض‌های آشکار حقوق بشری و بشردوستانه را در ترازوی آن می‌سنجند و موجه می‌انگارند.

در نخستین ساعات روز سه‌شنبه، یازدهم فروردین ۱۴۰۵، ساعت ۶ و ۳۰ دقیقه بامداد، کارخانه‌ی تولید مواد اولیه دارویی «توفیق دارو» - یکی از مهم‌ترین تولیدکنندگان مواد اولیه داروهای بیمارستانی و داروهای مورد استفاده در اتاق عمل هدف اصابت مستقیم چندین موشک قرار گرفت. این تجاوز، که با موشک‌هایی دقیق و هدفمند صورت پذیرفت، به تخریب کامل واحدهای تولید و بخش‌های تحقیق و توسعه انجامید. سازمان غذا و داروی ایران، به عنوان معاونت وزارت بهداشت، وقوع این حمله را تأیید کرده و گزارش‌های رسمی از تخریب کامل خطوط تولید دارو و بخش‌های اصلی کارخانه حکایت دارند. به گفته معاون وزیر بهداشت، از آغاز جنگ تا این تاریخ، نزدیک به ۲۴ کارخانه دارویی، تجهیزات پزشکی و شرکت‌های توزیع‌کننده، آسیب‌های کلی یا جزئی دیده‌اند؛ آسیب‌هایی که در میان آنها، واحدهای تولیدکننده‌ی مواد ضروری و حیاتی نیز دیده می‌شود. این کارخانه که اکنون در آتش موشک‌های آمریکایی - صهیونی سوخته است، نقش بی‌بدیلی در تأمین مواد اولیه انواع داروهای بیمارستانی و شماری از داروهای ضدسرطان ایفا می‌کرد. جنگ رمضان بارها و بارها شاهد آن بوده که متجاوزین، بی‌آنکه میان اهداف نظامی و غیرنظامی تفکیکی قائل شوند و بی‌آنکه کمترین اقدام احتیاطی به کار بندند، مراکز حیاتی و ضروری را که نقشی مستقیم در حیات و زندگی شهروندان دارند، آماج حملات خود ساخته‌اند. تجاوز به این مراکز، در تضاد آشکار با حق حیات و حق برخورداری از سلامتی است؛ حقوقی که به عنوان نخستین نسل از حقوق بشری برای آدمیان شناخته می‌شوند و کمیته حقوق بشر سازمان ملل، حق حیات را «حق برتر» نامیده است. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، حق حیات را به عنوان حقی ذاتی برای انسان به رسمیت می‌شناسد و ماده نخست آن، دولت‌ها را به احترام و تضمین این حق ذاتی فرامی‌خواند.

شرکت تحقیقاتی مهندسی توفیق دارو در بیست و دوم دی ماه ۱۳۷۷ با سرمایه‌گذاری بازنشستگان سازمان تأمین اجتماعی پا به عرصه وجود نهاد. کنترل این شرکت در دست شرکت سرمایه‌گذاری دارویی تامین است و کنترل نهایی آن به شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی (شستا) می‌رسد. این مجموعه، بزرگترین مرکز تحقیقات دارویی کشور، در عرصه‌هایی بس پیشرفته چون تحقیق و توسعه در حوزه داروهای شیمیایی و پپتیدهای دارویی، داروهای ضد سرطان و تنظیم‌کننده‌های سیستم ایمنی، تحقیقات بیولوژی مولکولی، بیولوژی سیستمی و فناوری‌های نانو، و نیز فرمولاسیون دارویی و تولید مواد اولیه دارویی با ارزش افزوده بالا، فعالیت داشته است. داروپخش، به عنوان مادر تخصصی این مجموعه، خود از دو بازوی اصلی تشکیل شده: شرکت کارخانجات داروپخش که تولیدکننده اصلی داروست و در این حمله هدف قرار گرفت، و شرکت توزیع داروپخش که با ۱۸ مرکز توزیع در سراسر کشور، داروهای تولیدی را به نقاط گوناگون می‌رساند. این مجموعه تنها به تولیای متخصصان در نظر گرفته است: نخست، مسئولیت بین‌المللی دولت‌های ناقض تعهدات، بر اساس طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل درباره مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها؛ و دوم، مسئولیت کیفری فردی، بر پایه اساسنامه رم، برای جنایاتی که در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی قرار دارند و در بسیاری از موارد با عنوان جنایات جنگی شناخته می‌شوند. افزون بر این، دولت جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با استناد به ماده ۳۶ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) و نیز معاهده مودت ۱۹۵۵ (در صورت احراز صلاحیت)، علیه ایالات متحده آمریکا به دلیل نقض تعهدات بین‌المللی خود از جمله اصل منع توسل به زور و تعهد به احترام به تمامیت ارضی ایران، در این دیوان طرح دعوی نماید. تجربه موفق ایران در پرونده «نقض معاهده مودت» در سال ۲۰۱۸ نشان داد که دیوان می‌تواند علیه آمریکا رأی صادر کند.

دیوان کیفری بین‌المللی در ماده ۸ اساسنامه خود، اعمال زیر را به صراحت جرم جنگی اعلام کرده است: حمله به اموال و اشیای غیرنظامی از جمله ساختمان‌ها، مواد، واحدها و وسایل نقلیه بهداری و پرسنل پزشکی؛ حمله به ساختمان‌هایی که برای مقاصد مذهبی، آموزشی، هنری، علمی یا امور خیریه استفاده می‌شوند و نیز بناهای تاریخی، بیمارستان‌ها و مکان‌های نگهداری بیماران و زخمیان؛ حمله به خانه‌های مسکونی و تخریب شمار زیادی از آنها؛ تدارک حملات کور علیه منازل و مکان‌های غیرنظامی به ویژه کودکان و زنان؛ حمله به مساجد که غیرنظامیان در آنها پناه گرفته‌اند. حمله به این ساختمان‌ها در ایران، مصداق بارز نقض این بخش از اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و نیز مقررات معاهده ۱۹۰۷ لاهه و کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ لاهه است و به موجب نص صریح ماده ۸، این اقدامات جرم جنگی محسوب شده و مسئولیت کیفری مقامات آمریکایی و اسرائیلی را در پی خواهد داشت.

عنصر معنوی (mens rea) این اقدام نیز با استناد به رویه قضایی بین‌المللی به روشنی قابل احراز است. دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق (ICTY) در پرونده تادیچ (Tadić) و نیز پرونده بلاکویچ (Blaškić) تأکید کرده است که «هدف‌گیری عمدی غیرنظامیان» زمانی محرز است که مهاجم آگاهانه و با علم به ماهیت غیرنظامی هدف، اقدام به حمله کند. استفاده از فناوری‌های پیشرفته نظامی، موشک‌های دقیق و هدف‌گیری یک مرکز مشخص تولید دارو که هیچ

کارکرد نظامی نداشته است، این علم و عمد را به روشنی ثابت می‌کند و احتمال خطای سهوی را به طور کامل منتفی می‌سازد.

کارشناسان امنیتی و اقتصادی، هدف قرار گرفتن داروپخش را فراتر از یک اقدام خرابکارانه صرف و در چارچوب محاسباتی راهبردی ارزیابی می‌کنند. ایجاد بحران در زنجیره تأمین داروهای حیاتی، با توجه به تحریم‌های بین‌المللی که واردات دارو را با دشواری‌های فراوان روبه‌رو ساخته، اختلال در بزرگترین تولیدکننده داخلی داروهای خاص می‌تواند به بحرانی انسانی و جبران‌ناپذیر بینجامد. ضربه به شبکه تأمین اجتماعی و اعتماد عمومی نیز از دیگر اهداف است؛ ایجاد اختلال در درمان بیماران سرطانی می‌تواند به ابزاری برای ایجاد نارضایتی عمومی و بی‌اعتمادی به نظام سلامت تبدیل شود. بازدارندگی اقتصادی و به تصویر کشیدن آسیب‌پذیری زیرساخت‌های صنعتی و بهداشتی ایران، و همچنین جایگزینی داروی داخلی با داروی وارداتی از طریق مختل ساختن تولید داخلی و گشودن بازار برای محصولات مشابه خارجی، دیگر اهداف راهبردی این تجاوز به شمار می‌آیند.

دولت آمریکا و رژیم اسرائیل، در تجاوزهای وحشیانه و غیرقانونی خود، با نادیده انگاشتن قواعد مخاصمات مسلحانه، فهرستی از جنایات جنگی را پیش روی نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران نهاده‌اند که می‌تواند مبنای شکایات و طرح دعاوی متعدد در محاکم بین‌المللی و حتی داخلی در دفاع از حقوق ملت ایران و حقوق حاکمیتی نظام باشد. شایسته است دستگاه قضایی و نیز تمامی متخصصان حقوقی، با اهمیتی شایسته، ضمن محکومیت این تجاوزات، در تهیه شکوائیه‌های مستحکم علیه عاملان این جنایات، از تمامی توان و اندیشه خویش بهره‌برند. بی‌گمان، رسالت جامعه حقوقی ایران پس از جنگ و حتی در خلال اقدامات نظامی در کنار نیروهای نظامی، کادر درمان و دیگر خدمتگزاران مردم و نظام، رسالتی است برگرفته از تعهد حرفه‌ای و اخلاقی این صنف. نهادهای حقوقی ایران باید در اقل افکار عمومی جهان و نیز نهادهای بین‌المللی و محاکم با صلاحیت جهانی، حضوری قدرتمند و تأثیرگذار داشته باشند. نادیده گرفتن حقوق برتر انسانی در ایران از سوی متجاوزان به ویژه حق حیات و سلامت که با تخریب زیرساخت‌های نظام سلامت در حال وقوع است می‌تواند مستحکم‌ترین دلیل بر حقانیت جمهوری اسلامی ایران در مقابله با این خونخواران تاریخ معاصر باشد. در این میان، ضروری است که نهادهای ذی‌صلاح کشور با تدوین راهبردی جامع و چندلایه، ابعاد حقوقی این تجاوز را به صورت فعالانه پیگیری نمایند. قوه قضائیه می‌تواند با تشکیل پرونده‌های حقوقی مستقل برای هر یک از کارخانه‌های هدف گرفته شده و مستندسازی دقیق خسارات وارده با بهره‌گیری از کارشناسان فنی و حقوقی، زمینه را برای طرح دعاوی بین‌المللی فراهم آورد. وزارت امور خارجه نیز با تهیه شکوائیه‌های مستند و ارسال به شورای امنیت سازمان ملل متحد، طرح دعوی علیه ایالات متحده در دیوان بین‌المللی دادگستری، و ارائه گزارش تفصیلی به دفتر دادستان دیوان کیفری بین‌المللی برای بررسی مقدماتی، می‌تواند گام‌های مؤثری در مسیر احقاق حق بردارد. جامعه حقوقی و دانشگاهی ایران نیز با تشکیل اتاق‌های فکر تخصصی، انتشار گزارش‌های دوره‌ای مستند به زبان‌های بین‌المللی و برگزاری نشست‌های تخصصی با حضور حقوقدانان و ناظران بین‌المللی، می‌تواند نقش بی‌بدیلی در اقل افکار عمومی جهانی و ایجاد فشار بر

نهادهای بین‌المللی ایفا کند. این مجموعه اقدامات، اگر در چارچوبی هماهنگ و منسجم به پیش رود، می‌تواند نظم حقوقی موجود را به چالش کشیده و زمینه‌ساز تحولی بنیادین در نحوه برخورد با تجاوزات مشابه در آینده گردد. در نتیجه حمله موشکی به شرکت داروپخش و مرکز تحقیقاتی توفیق دارو را می‌توان حلقه‌ای از زنجیره حملات علیه زیرساخت‌های حیاتی ایران ارزیابی کرد که این بار صنعت دارو را هدف قرار داده است. این اقدام را باید فراتر از یک حمله نظامی محدود تلقی کرد؛ بلکه این رفتار، به‌عنوان الگویی خطرناک در هدف قرار دادن زیرساخت‌های غیرنظامی و حیاتی، می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای برای نظام حقوقی بین‌المللی به همراه داشته باشد. آنچه این تجاوز را به مرز جنایت علیه بشریت نزدیک می‌کند، نه صرفاً تخریب یک کارخانه، که هدف قرار دادن عمده سلامت و حیات جمعیت غیرنظامی از طریق ایجاد اختلال در زنجیره تأمین داروهای حیاتی است؛ اقدامی که با روح و متن حقوق بین‌الملل بشردوستانه در تقابلی آشکار قرار دارد.

استمرار چنین روندی، نه‌تنها موجب تضعیف اصول بنیادین حقوق بشردوستانه و حقوق بشر خواهد شد، بلکه اعتماد به کارآمدی نهادهای بین‌المللی در حفظ صلح و امنیت جهانی را نیز به‌شدت خدشه‌دار می‌سازد. اگر واکنشی متناسب و حقوقی در برابر این تجاوزات صورت نپذیرد، بی‌گمان نظم نوینی در جهان استقرار خواهد یافت که در آن، قانون قدرت برتر - همان قانون جنگل - حاکم می‌شود. جهان امروز شاهد است که تمامی حقوق و قواعد بین‌المللی، به اندازه ابزارهای نظامی ایران، توان بازداشتن تجاوزات غیرقانونی آمریکا و اسرائیل را ندارند؛ اما باید اثبات کرد که این فرضیه قابل تغییر است و حاکمیت قانون نمی‌تواند با تفکر یک رژیم غیرقانونی از جهان رخت بربندد.

بر این اساس، ورود مؤثر نهادهای بین‌المللی، به‌ویژه شورای امنیت سازمان ملل متحد و مراجع قضایی بین‌المللی، برای بررسی این اقدام و پاسخگویی عاملان آن، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. بی‌توجهی به چنین نقض‌هایی، می‌تواند به تثبیت رویه‌ای منجر شود که در آن، زیرساخت‌های حیاتی و بشردوستانه نیز به اهداف مشروع جنگی تبدیل شوند؛ امری که با فلسفه وجودی حقوق بین‌الملل معاصر در تعارض اساسی قرار دارد. ایران در پهنه تاریخ، بزرگترین و وحشیانه‌ترین تهاجمات را تاب آورده و حتی متجاوزان را به خود آمده و بازداشته است. دفاع از حقوق ملت و سرزمین ایران در پرتو قواعد و حقوق بین‌الملل، نقطه‌عطفی در تاریخ ایران و حقوق بین‌الملل خواهد بود؛ اگر بتوان به استناد این رخدادها، حقی را بازستاند، جانی تازه به نظم حقوقی جهانی بخشیده خواهد شد. رسالت جامعه علمی و حقوقی ایران، از این منظر، نه تنها دفاع از ایران که دفاع از توسعه و تکامل حقوق و روابط بین‌المللی است؛ حقوق و روابطی که جامعه جهانی در بوته جنگ‌های جهانی اول و دوم و دیگر رخدادهای معاصر، آن را پدید آورده است.

ملل توفیق

محمود رشنواز

Reminder :

Legal Analysis of the Attack on Iran's Pharmaceutical Infrastructure (Tofigh Daru Engineering Research Company) and Its Strategic Dimensions, as Well as the Violation of International Law Rules by the United States and Israel

The writer:

Mahmoud Rashnavaz

Doctoral student of International Law, Emirates Branch, Islamic Azad University, Dubai, UAE

member of the center of lawyers, official experts and consultants of the judiciary

۲۰۲۶/۰۳/۳۱